

کاهنامه ادبی

شکوه و اژدها



موسسه آموزش عالی چهاد دانشگاهی واحد رشت
معاونت دانشجویی و فرهنگی

سال یکم / شماره چهارم / ۱۳۹۹/۰۹/۳۰

- * یلدا؛ برآمدن امید در سایه‌ی تاریکی
- * یلدا از نگاه اساتید
- * یلدا در آینه‌ی دانشجو



گاهنامه ادبی شکوه واژه ها



موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی رشت
معاونت فرهنگی و انتسابی



سخن دیر :

در گذر تاریخ، ادبیات، زبانی مشترک، برای انسان ها بوده و به داشته های فرهنگی یک جامعه، اعتبار و ارزش می دهد.

موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی رشت در راستای ارتقا جایگاه ادبیات و ارج نهادن به آن، در صدد معرفی و نشر آثار

فاخر در این صفحه می باشد.

امید آنکه بتوانیم در راستای این هدف والا و ارزشمند، قدمی به راستی برداشته و مورد توجه شما مخاطبان فرهیخته قرار گیرد.

سپیده ساجدی
دیر کانون شعر و ادب موسسه
مدیر مسئول گاهنامه ادبی
شکوه واژه ها

شناخت

صاحب امتیاز: معاونت دانشجویی و فرهنگی

مدیر مسئول: سپیده ساجدی

زیر نظر شورای سردبیری

طرح صفحات و گرافیک: سروناز رحیمی دانش

فهرست

۱) یلدای برآمدن امید در سایه تاریکی صفحه ۲-۱

۲) یلدای از نگاه استاد صفحه ۳-۵

۳) یلدادر آینه سی دانشجو صفحه ۸-۶



۰۱۳-۳۳۴۴۸۹۹۴-۷

www.jdrasht.ac.ir

رشت، بلوار لakan، میدان ولایت،
مجتمع آموزشی-پژوهشی جهاد دانشگاهی گیلان



آیین یلدا در گیلان یلدا؛ برآمدن امید در سایه‌ی تاریکی

دکتر مرتضی حیدر زاده، مدرس دانشگاه



مردم شرق آسیا، انقلاب زمستانی‌شان را با مراسم دونگزی جشن می‌گیرند. مراسمی که در میان ژاپنی‌ها، چینی‌ها، کره‌ای‌ها و مردم فیلیپین و تایلند و ویتنام، یکی از مهم‌ترین مراسم آیینی به حساب می‌آید و از غروب روز آخر پاییز شروع می‌شود. خانواده‌ها در این روز دور هم جمع می‌شوند و غذایی به اسم تانگ یوان و کوفته برنجی می‌خورند؛ غذاهایی که در فرهنگ شرق آسیایی‌ها، نماد همبستگی و اتحاد خانواده دانسته می‌شوند.



واژه یلدا به معنای زایش و تولد است. ایرانیان باستان با این باور که فردای شب یلدا با دمیدن خورشید، روزها بلندتر می‌شوند و تابش نور ایزدی افزونی می‌یابد، آخر پاییز و اول زمستان را شب زایش مهر یا زایش خورشید می‌خوانند و برای آن جشن بزرگ برپا می‌کردند و از این رو به ده‌مین ماه سال دی (به معنای روز) می‌گفتند که ماه تولد خورشید بود.

بی‌شک، چنین واقعه‌ی منحصر بفردی، می‌باشد در دیگر فرهنگ‌ها بازخورد و آئین‌های مرسوم خودش را داشته باشد. و متناسب با موقعیت جغرافیایی، قومیت، تقيیدات مذهبی و باورهای جمیع هر پنهانی جغرافیایی، مراسم خاصی در سایه‌ی بلند ترین شب سال برگزار شود.

از منظر من زیباترین بخش یلدا، پیوندی پنهان و یا آشکاری است که بین جوامع مختلف به ظهور می‌رسد، ارتباط بین جوامع مختلف همیشه و مداوم در گذر تاریخ وجود داشته و در گذار زمان فرهنگ‌ها، رسوم یک مجموعه آرام آرام در جامعه و یا فرهنگ دیگر رسوخ و نفوذ پیدا می‌نماید و نکته‌ی جالب تر آنکه پس از ورود یک اندیشه یا یک رسم در جامعه‌ای دیگر، رنگ و بوی تازه و متفاوتی به خود می‌گیرد و در قالب باورهای آن قوم یا جامعه رنگ آمیزی شده و مرسوم می‌گردد.

دکتر اسدی، جامعه شناس در سخنی با موضوع هویت و انسجام ملی در گروی آیین‌های کهن عنوان می‌کند خرده فرهنگ‌ها می‌توانند در یک گروه بزرگ‌تر منسجم می‌شوند. به طور مثال در کشور ایران، قومیت‌های مختلف نظیر گُرد، لر و بلوج در گروهی بزرگ‌تر و با هویت ایرانی، با یکدیگر پیوند می‌یابند و در کنار تفاوت‌های قومیتی شان، از طریق آئین‌های ملی نظیر یلدا و نیز رسم و آئین‌های مذهبی، هویتی یکسان می‌یابند.

محمد بشرا در کتاب جشن‌ها و آیین مردم گیلان؛ مراسم و نحوه‌ی برگزاری یلدا را تشریح نموده ((شب چله در گیلان، آغاز پرشگون شب نشینی‌های مردم در طول زمستان بود که تا نزدیکی روزهای نوروزی ادامه می‌یافت. در آن سال‌های بی‌سرگرمی، گردهم آمدند و از یاد و یادگارهای گذشته گفتن، تنها مکتبخانه بی‌ریب و ریای انتقال فرهنگ بومی از یک نسل به نسل‌های دیگر بود.

خوردن هفت نوع میوه پاییزی و زمستانی از رسوم قدیمی شب چله بود که هنوز مردم به آن باور دارند. برترین این میوه‌ها، به، سیب، خوج و کونوس بود. شام یلدا را بدون گوشت و از سبزی می‌پختند؛ و چقدر سازگار و همبسته با شرایط زندگی روزانه بود! اگر ماهی فراهم می‌شد خورشت سبزی بدون گوشت با ماهی و پلو را بر هر غذای دیگر ترجیح می‌دادند. پختن نان محلی از آرد برنج هم در این شب متداول بود به خصوص اگر شب یلدا به شب نشینی تبدیل می‌شد. گالش‌ها اعتقاد داشتند که در شب چله چهل نوع خوراکی باید بخورند. خوردن هر نوع کونوس را باعث مقاومت بدنی در برابر سرمای زمستان می‌دانستند.





دکتر مرتضی حیدر زاده، مدرس دانشگاه

برنج برشته را همراه با کشمکش سیاه شاهانی بسیار دوست می‌داشتند و خوردنش را سبب شیرینی زندگی خانوادگی می‌پنداشتند. فال هندوانه از جمله جذابیت‌های این شب بود. وسط هندوانه را به خطی که گردآگردش می‌کشیدند مشخص می‌کردند. بعد چشم دختر یا پسر دم بختی را می‌بستند و هندوانه را چند دور در مجمعه می‌گردانند. کارد را به دست چشم بسته می‌دادند تا هندوانه را دو نیم کند. اگر درست از جایی که خط کشیده شده بود هندوانه را می‌برید نشان عادی بودن هوای زمستان و به خوبی گذشتن فصل سرد سال بود. قصه‌گویی و نقل حکایت تا پاسی از شب ادامه می‌یافت و به امید داشتن زمستان آرام همگ از یکدیگر خداحافظی می‌کردند.)

ماهیت و چگونگی برگزاری مراسم، نقل‌ها، بازی‌ها و در شب یلدا تعریف شده و بی‌شک نمایه ای از زیبایی فرهنگ مردمان کرانه‌های جنوبی دریای کaspian می‌باشد.

به غیر از باورهای انگاشته شده، رصد منطقی چرایی شکل گیری مرسومات در طول تاریخ بوده است. بیکاری اکثریت مردمان کشاورز در پاییز و زمستان، طولانی تر شدن ساعات شبانه و سرد شدن هوا از مهمترین دلایلی است که می‌تواند بهانه ای برای دوره هم نشینی‌ها باشد.

از سوی دیگر شب یلدا، آغاز سقوط شب در طول زمستان و مسیر حرکت به سوی روزهای طولانی تر و آمدن بهار و آغاز امید به سالی بهتر برای کشاورزان و دامداران است.

آنچه مشهود و روشن است، پیروزی بر تیرگی، امید به فردای دور اما نویدگر آمدن روشنایی و شاید زندگی بهتر در سایه آرزوها و اهدافی که هر سال به سال دیگر ممکن شود. آرزوی محصول بیشتر، عشق به دختر همسایه و آرزوی تشکیل خانواده، تشکیل خانواده، داشتن زمینی برای کار، که در سایه‌ی کسب محصول مرغوب و توانمندی مالی محقق می‌شد از مجموعه عواملی است که یلدا را در عین آنکه بلند ترین شب سال است، فرصتی برای تصمیمی تازه، آغاز تلاشی نو، امید و زندگی سرشار می‌کند.



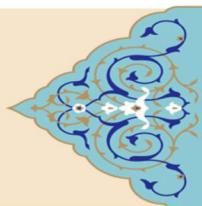
از این منظر می‌توان گفت، وقوع یک اتفاق طبیعی خاص و در آمیختن آن با زندگی مردمان می‌تواند سبب آفرینش رسم و آئینی متفاوت در هر گوشه ای از کره زمین گردد. پایان قدرت تاریکی و سرآغاز امید و آمدن روشنایی.





گاهنامه ادبی شکوه واژه ها

موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی رشت
معاونت فرهنگی و انتشاری



یلدا از نگاه اساتید



به نام ایزد یکتا
سخاوتمند است پاییز، که
شکوه بلندترین شب خود
را خالصانه پیشکش تولد
زمستان کرد...

يلدا يادآور بلندترین شب
سال و فرصتی بیشتر برای
مهربانی ها و دوستی ها .

صمیمانه ترین تبریک ها
خدمت دوستان ،
همکاران و دانشجویان
گرامی .

زمستانان سفید و سلامت ...
يلدا مبارک...

#دکتر نرگسی
#مدیر گروه حقوق

يلدا
امتداد عاطفه‌ای
در ذهن عاشقانه‌ی مردم
يعني امتدادشبي هر چند
طولانی،
ولي گرم از احساس بشری
مردمانی جانشیفته و
عاشق
شي که آنسویش صبحی
ست
اگرچه نامیدی‌ها ييش،
عميق - ولی آرزو
هست، اميده‌هست و عشق...
و عشق هست
يلدا يعني زمانی
سالخورده ولی جوان ، که
به هر حال هست،
يلدا يعني تولد تو و من
'
يلدا يعني تولد مادرمان
زمین، يلدا يعني اميدمان
فقط به خداست

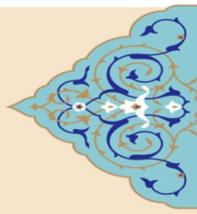
#دکتر سموری
#مدیر گروه حسابداری

در آستانه‌ی دی
بی خورشید چشمانست
شب‌هایم
همیشه يلدای است
سیاه و سرد
باتو
یخ هر سکوتی می‌شکند
تا نغمه‌هایت را
بهار
نت بنویسد
زیبا
زیباتر از همیشه
بخند
سال‌هاست
به این می‌اندیشم
در پس آن همه، تشویش
لبخند چگونه شکل بگیرد
شاید...
زمستانی سخت در پیش باشد،
پس بیا
با همدلی،
هم‌آوایی و
اراده ای آتشین
بر بلندای این شب،
یخندان این زمستان سرد را بشکنیم.
رضا زحمتکش
مدیر گروه عمران و نقشه برداری موسسه
آموزش عالی جهاد دانشگاهی رشت



گاہنامه ادبی شکوه واژه ها

یلدا از نگاه اساتید



رسم خوشایند زندگی
در شبی بلند به نام یلدا
معنای با هم بودن را جانی تازه می
بخشد. آنچه باقی می‌ماند مهر است و
دوستی....
یلدا مبارک

#مینو خاکپور
#مدیر گروه معماری و هنر

آه اگر چنگال طوفان، پیر دریا را بگیرد
آه اگر نفرین دریا دامن ما را بگیرد
پیچش زنجیره ی امواج یعنی رزم طوفان
موج کوبان می‌رود کرجی مala را بگیرد
شب شب گستاخ و گردنش شب دشنام ساحل
پرسه می‌زد شب که خواب چشم درنا را بگیرد
کومه ها آبستن سیلی موج و دود و هیمه
یک نفر شلاق را از حضرت دریا بگیرد
خواب، افعی بود و می‌چرخید در چشمان مala
نیش می‌زد تا از او حظ تماشا را بگیرد
موج آمد تا که رنج شاه ماه را نبیند
مرد پارو زد که ماهی های زیبا را بگیرد
موج غرق بوسه بازی چون پلنگ بیشه ی آب
پنجه بر شب می‌کشد تا ماه یلدا را بگیرد
شب دراز و زورق در نقره ی مهتاب غرق است
کو پری تا دست زورق بان تنها را بگیرد

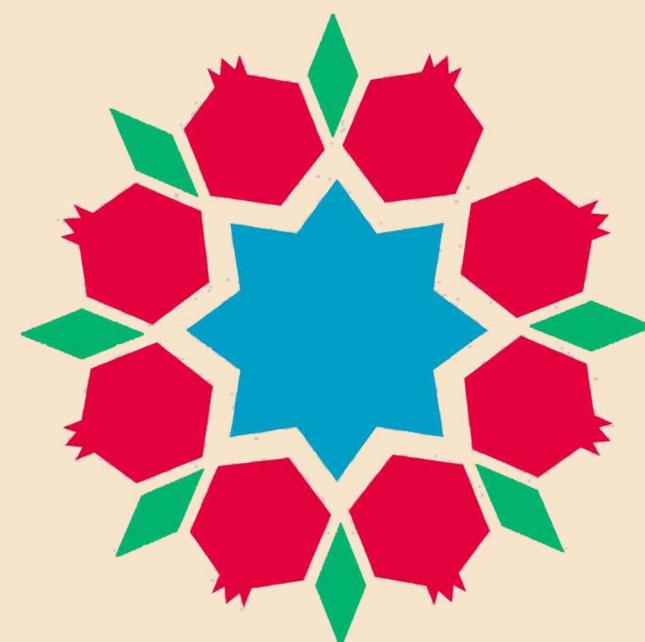
#پونه نیکوی

#مدیر آموزش کوتاه مدت تخصصی جهاد دانشگاهی انزلي



پاییز نماد عشقی است
در انتظار معشوق
در آذری
به رنگارنگ رنگین کمان
دراردیبهشتی سبز
این انتظار نیست
عشقی است
که مهری آمد
تا از مرز آبان گذشت
تا به آذربرسد و
رنگین کمان بهاری را
زرد کند
در انتظار یلدایی
زیبا
تا بیاید و
عشق
او را کامل کند
با گونه های سرخ و
دامنی گلدار و رنگ رنگ

#عظمت رمضانپور
#استاد دانشگاه



یلدا شاید استعاره‌ای از پیروزی نور بر
اهریمن تاریک و ظلمت باشد. به قول
شیخ اجل سعدی: «هنوز با همه دردم
امید درمان است
که آخری بود آخر شبان یلدا را»

#فاطمه قنبری
#مدیر گروه تحصیلات تكمیلی



چه زیبا می‌شود تداعی
یلدا در روزهای سخت و
طاقت فرسای زندگی و اینکه
باور داشته باشیم به
دنیال شبی بلند، سپیده دم
امید است.

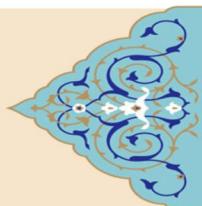
یلدا تان مبارک چون در
بلندای آن می‌توانید از
باهم بودن در کنار عزیزان
تاز لذت ببرید و امید
رسیدن به فردایی روشن را
در دل هایتان بپورانید.
یلدا مبارک

#کبری زاهد دوست
#استاد دانشگاه



گاہنامه ادبی شکوه واژه ها

موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی رشت
معاونت فرهنگی و انتشاری



یلدا از نگاه استاد



یلدای بی شائبه دوست داشتنی
سلام

یلداجان! لبخندت همیشه برقرار
اممال متفاوت تر آمدی!
هر لحظه ات پر خاطره
هر لحظه خاطرات مشترک مان
پر شکوه باد.
خطاراق خوش، که به شکوه در ذهنم
مرور می شود
دلمر روشن است که مانند همه سالیان
پیشین، شب های باتو به سر بردن
شیرین است..
اجاق خاطرات را روشن بگذاریم تا
دچار سردی فاصله ها نشویم
زمستان تان سفید و سلامت
یلدا تان مبارک

#الهام اسلامی
#معلم، مدیر اجرایی ریاضیات آسان

خورشیدی که ثابت کردی
حتی طولانی ترین شبها نیز با اولین تیغه
درخشان نور به پایان می رسد، حتی اگر شبی
به بلندای شبانه ری یلدا باشد....
پس بیدار باشیم و امیدوار ، برای برودت
نهفته در روح مان خورشیدی در راه است
خورشیدی پر از درخشش امید

خورشیدی پر از نور
پر از سور

خورشیدی پر از سور

#امین پور جدی
#استاد دانشگاه

آنگاه که طولانی شدن غیبت خورشید، تاریک و
یاس بر شهر سایه می اندازد
به انتظار دمیدن پرتو پگاه و زایش مهر می
نشینیم و فرصتی می سازد برای شریک شدن
دقایق و رویا پردازی نامحدود برای فردایی بهتر
و ابراز عشق به و علاقه به کسانی که بیشتر از
همه دوستشان داریم.

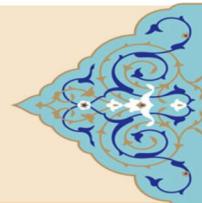
اممال در حالی به استقبال شب یلدا می رویم
که کرونا در شهر سایه افکنده و کوچه پس
کوچه های شهر را یاس و سردی فراگرفته، اما به
یاد داشته باشید که ماهیت یلدا "امید" است
امید به زایش مهر..
باشد که قلب و خانه شما مملو از امید و
شادی های یلدایی شود.
یلدا مبارک

#رضاء عباسپور
#استاد دانشگاه

یلدا همچون نگینی ست در سال
همچون ماه نورانی در دل
سیاهی شب
و چه خوب که در این شب زیبا
با کلام اندیشمندان و بزرگان
سال مان را درخشان کنیم.
یلدا مبارک

#مهسا رضازاده
#استاد دانشگاه





يلدا در آينه‌ي دانشجو



به مانند این دانه های انار
به پایان رسید این خزان از قرار
به لطف خدا و کمی فاصله
بسی زنده ماندیم در روزگار
خدایا قسم بر زمستانِ تو
به این فصل سرد و کمی نابه کار
به این روز های عجیب و غریب
به این سرفه های پر از انتشار
به این مردمان پر از مهر تو
به این عاشقان کمی توبه کار
به این وامداران تو در زمین
به این ماسکداران هی بد بیار
پناهم بده از شب تار و سرد
رهایم کن از این همه انتظار
پیوشان تو ما را ز هرچه که هست
خلاصم کن از دردِ دنباله دار
بزن ماسک را بر دلِ مردمان
نزن آب را بر منِ بی‌گدار
بگیر از همه این غرورِ خراب
نکن این خوشی را دقیقه‌شمار
"خدایا چنان کن سرانجام کار"
ببوییم در جمع فامیل انار

#امیر حسین فروزان
*حکیم نظامی گنجوی

ابری گریستو
اشکی
بربرگی سرخ افتاد
بی امان
قصه‌ی خودرا خواند!
قطرهای داغ
از گوشه‌ی چشمی افتاد
برگ‌ها
عاقبت تلخ سقوطی دارند!
برگ‌ها
خصلت پاییزی‌شان
ریختن است
در خزانی رنگین
يلدا مبارک
#بهزاد رضایی

اشک هایم را دانه کرده ام!
و در ظرف بند
خوردۀی شعر هایم
یاقوت سرخ می‌ریزم.
امشب..
از يلداي چشمانم
ثانیه‌های عشق را
فالی خوش
خواهم گرفت
#سینا یوسف نیا

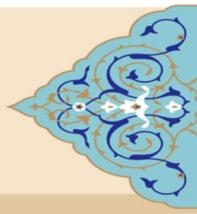
پاییز!
دل پر تلاطم را آرام کن
بادها
خبرآزمدن مسافت را
داده اند
يلدا در راه است
کرسی را به پا کن
نرگس‌جان!
باغ را برایش بچین
ظرف انار را بیاور
مجالیست
برای منتظر نشستنی زیبا
آمدن يلدا
نوید تولد خورشید است
#کوثر خسروی

شب يلدا آخرین دلبری پاییز است
شي که اگرچه فقط یک دقیقه فرصت با هم بودن‌هامون
بيشتره..
اما چقده پرشوکت و شکوهمنده ..
لذت حقیقی و مجازی این آینه عشقی دیرینه که ریشه در
روزگاران کهن داره
ريشه درجهان باستان داره!
همگی کنار هم هستیم!
قدر همو بدونیم و واسه هر ثانیه کنار هم بودنمون ارزش
قابل باشیم

يلدا تون مبارک
#محمد اقدامی



گاہنامه ادبی شکوه و اژدها



یلدادر آینه‌ی دانشجو

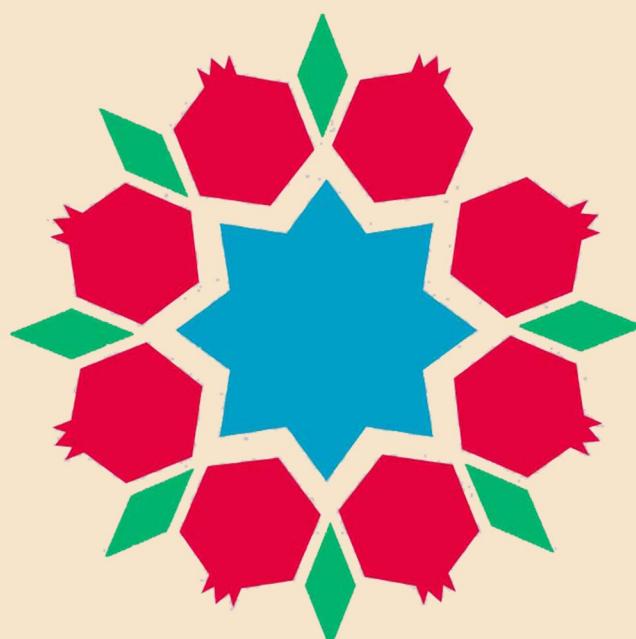


من نمیدانم
امشب چه شبیست؟
کودکی را دیدم
در میان گذر ثانیه‌ها
فال حافظ در دست
نغمه‌ای سر می‌داد
مردمی
سردتر از
دست تمنای پسر
پسری آنسو تو
خنده‌برلب، شادان
در طلب دست پدر
کودک فقر به‌دوش
دست‌ها
در طلب تکه‌ی نان هرسو
و چه شادان این یک
و چه‌غمگین آن دو
سرخی سفره تنها‌ی اشان را
دیدم
لکه‌ی سرخ انار
سرخی از سرما
تق تق آجیل و دندانش
جای
تق تق لرزه سرما، جای
دو لپ سرخ پسر
در سرما
و هر از گاهی
خنده‌ای از سر جبر
و نگاهی پر ذوق
فال را دیدم
حافظ هم
انجا بود
بی صدا بود و
گریست
من نمیدانم
امشب چه شبیست
لیک گویا
این شب
شب سردیست
سیاه
شب سردیست دراز
لیک امشب یلداست!
حسین فخریان #

لابلای برگ‌های سرخ و زرد خیابان‌ها
صدای نجوای آرام یلدای خوابیده در
زمستان به گوش میرسد. یلدای که با
خود شبی بلند را هدیه می‌آورد تا ماه
و ستارگان وقت بیشتری برای بازیگوشی
و رقص داشته باشد.
آخرین شب پاییز آمد، پیاله‌های
چای، دانه‌های شیرین انار، صفحه‌های
دلنشین فال حافظ با آن حاشیه‌های
اسلیمی، خاطراتیست که برایش
میمیرم. همین که یار باشدو چای
باشدو یک انار کافیست که برایش
شعری از حافظ بخوانم.

حال و هوای امشب به کام من شد
یلدای عاشق به نام من شد
با یک غزل از حافظ و تعبیرهای آشنا
چله خوش قول میهمان خوان من شد

#امین ابراهیمی



در امتدادی در مسیر سردپاییز ،
در انتهای کوچه ای از ماه آذر
در یک قدم مانده به یلدای گوارا
هنگامه‌ای
پشت سرش
یک برگ‌ریزان
رقسان
پریشان شاخه‌هارا
منوازد
امشب
تمام برگ‌ها
با شاخه‌هایشان
امشب
درختان با درختان
در یک وداع سخت
درگیرند
امشب تمام برگ‌ها
بر شاخه می‌میرند
امشب
بلندای درختان لخت
بلندای درختان سرد
نگاه اهرمن
بر شاخه‌ها خیره‌ست
امشب هوا تیره‌ست
از پشت طولانی‌ترین اندوه
خورشید خواهد رسید
فردا طلوع تازه‌ای
از راه می‌آید
حتی اگر کم سو
فردا طلوع تازه
در راه است

#محمد رضا کاوه



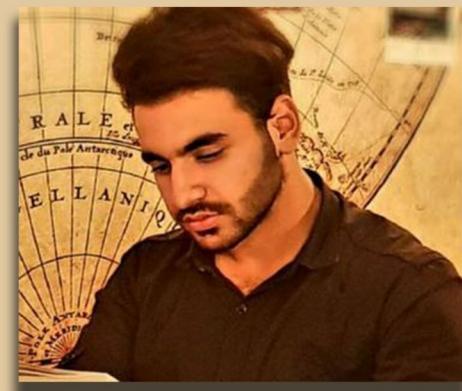


گاهنامه ادبی شکوه واژه ها

موسسه آموزش عالی جماد دانشگاهی رشت
معاونت فرهنگی و انتشاری



يلدا در آينه‌ي دانشجو



به نام آفریننده عشق

"با برداشتی آزاد از حضرت
حافظ
و به نیت تفال از حافظ
جان"

خوشاب يلدا و وصف بي
مثالش
خدانوندا مخواه، هرگز
زوالش
شب يلدا شب جشن
وسروراست
بويره آنکه در شهر شمالش
در آن شب حافظ و دلدادگی
هاش
غزلخوانی و اوج حس و حالش
به نام تو تفالم عین عشق
است
كه پنهان مانده در تکرار،
فالش
يلدا مبارک

سید مهدی گلمیر آزاد

يلدا مبارک

صدای تیک تاک ساعت را من شنوي...؟
لحظه به لحظه به يلدا نزدیک تر من شویم...
به انتهای خیابان آذربایجان
به شروع سرد دی...
زمستان در این شب عاشقانه من خواهد به
استقبال پاییز بیاید و از او خدا حافظی کند...
پاییز چمدان در دست گرفته و عازم رفتن
است...
آسمان با دیدن این صحنه عاشقانه بعض کرده
و من خواهد بیارد...
عروس فصل ها با لباس سفیدش در راه است...
يلدا يعني یادمان باشد زندگی آنقدر کوتاه
است...
كه يك دقیقه را نیز نباید از دست داد... زیرا با
هر دقیقه من توان يك فرصت جدید در زندگی
به وجود آوردم...
لبنان مانند پسته شب يلدا خندان و دلتان
شاد...
و زندگیتان به شیرینی هندوانه و دور از تلخی...
يلدا مبارک...
مهدی صابر صالحی

يلدا با پای خسته
رسید از راه
در زادروز مهر
پر از لبخند،
در طولانی ترین شب سال
شبی پر از سرما
که میزبانش
دلهای ماست
تپنده به عشقی
که پراز مهر و گرم است

يلدا را به گرمی پاس
بداریم تا روشنایی در دل
هایمان پدیدار شود.
يلدا آغازی گرم و پر از
شادی در نزدیکی فصلی
سبید و سرد.
يلدا یاتان پر از گرم و
لبخند

صالح اسماعیل زاده





موسسه آموزش عالی جمادا شگاہی رشت
معاونت فرهنگی و دانشجوی

